فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc150271904)

[پیشگفتار 2](#_Toc150271905)

[مراحل رشد انسان 2](#_Toc150271906)

[مرحله ماقبل طبیعت 2](#_Toc150271907)

[مرحله عالم طبیعت 4](#_Toc150271908)

[طوایف آیات مشیر به مراحل رشد انسان 5](#_Toc150271909)

[بررسی اولین طایفه از آیات 7](#_Toc150271910)

[نکات آیه ۵ سوره حج 8](#_Toc150271911)

[نکته اول 9](#_Toc150271912)

# موضوع: تفسیر تربیتی/ مراحل رشد در قرآن

# پیشگفتار

بحث در این بود که آیات قرآن کریم در موضوع مراحل رشد و تربیت به چه طوایفی تقسیم می‌شود و چه دلالاتی در آن هست و چه اندازه ناظر به مباحث اخلاق و تربیت هست.

تاکنون بعد از بیان مقدماتی به این مطلب رسیدیم که آیات قرآن در ارتباط با رشد انسان چند طایفه است.

البته قبل از این که آن را ادامه بدهیم که این واضح است در منطق قرآن مراحل وجودی انسان یک امر است و مراحل رشد چیز دیگری است.

# مراحل رشد انسان

مراحل وجودی انسان یک دایره وسیعی دارد که از ماقبل از وجود انسان در این عالم شروع می‌شود و به بعد از این عالم هم استمرار پیدا می‌کند. آن روشن است یک نگاهی اجمالی به آن هم به این شکل است که یکی در مرحله ما قبل وجود انسان عالم غیب و عالم ذر هست که داستانی دارد و به جای خودش.

آن عالم غیبی ما قبل وجود مادی هم نوع انسان و هم فرد انسان است از جمله عالم ذر که بحث‌های حساس ویژه خود را دارد.

یک مسئله عالم اصلاب است که در روایات به آن توجه می‌شود که کنتم «فِی الأصلابِ الشّامِخَةِ»[[1]](#footnote-1) خود این بعد از عالم غیب در این عالم طبیعت یک عالم اصلابی وجود دارد که آن هم در اختیار انسان نیست ولی روی شخصیت انسان تأثیرگذار است. گذشته آبا و اجدادی شخص روی شخصیت فرد مؤثر است. این هم یک مسئله که ما به اینها در اینجا خیلی نپرداختیم.

این دو مسئله قبل از بحث‌هایی است که اینجا مطرح شد.

## مرحله ماقبل طبیعت

این مسئله چند ضلع دارد، یکی عالم ذر و عالم غیب و ماقبل از وجود انسان در این عالم طبیعت

یکی دیگر در این عالم گذشته انسان است.

این گذشته چند چیز است:

یکی مباحث تطورات ژنتیک انسان است، عالم ژنتیک و تطوراتی که در آن رخ می‌دهد یک داستان است بالاخره این بحث‌های ژنتیکی یک بحث‌های مهمی دارد و در ساختار شخصیت مؤثر است که می‌رود در علم ژنتیک و روی بحث‌های اخلاق و شخصیت مؤثر است.

یک بحث‌های دیگری است که فراتر از بحث‌های ژنتیک به آن معنای علم ژنتیک است و آن گذشته اصلاب است آن ویژگی‌هایی است که در شخصیت آباء و اجداد بوده و به شکلی منتقل می‌شود. یعنی زنجیره ویژگی‌هایی که در گذشته شخص بوده است و منتقل می‌شود و منحصر در ژنتیک نیست، غیر از آن است اینکه می‌فرماید «فِی الْاَصْلابِ الشَّامِخَه وَ الْاَرْحامِ المُطَهَّره»[[2]](#footnote-2) این یک بحث است که می‌تواند یک بازتاب‌های مادی داشته باشد و احیاناً یک بازتاب‌های غیر مادی است که همین‌جور منعکس و منتقل می‌شود

یکی هم مباحث اجتماعی و محیطی است که این محیط الان تحت تأثیر این محیط‌های گذشته است که این بیشتر یک بحث جامعه‌شناسی است از این جهت است که از گذشته فرد در عالم طبیعت این چند زاویه را داریم که مؤثر است.

۱- یکی آن بحث مباحث ژنتیک است که در علم ژنتیک مطرح می‌شود.

۲- و یکی مباحث روحی و اخلاقی و معنوی است ناشی از اصلاب و ارحام است که هم در منطق تحلیل حتی مادی هم قابل شناخت و توجه است و به خصوص در یک منطق فرامادی قابل شناخت و توجه است. این هم مهم است و در مسائل دینی به آن توجه می‌شود

۳- آن مباحث اجتماعی و محیطی و تاریخی است که آن هم رشته‌ای در عالم است و جمع هم می‌شود و مؤثر هم هست در فرد و جامعه امروز که این نگاه اجتماعی مسئله است.

پس هم نگاه ژنتیکی و هم نگاه تاریخی و اجتماعی و هم نگاه اصلاب و ارحام، گذشته دودمانی، سه ضلعی است که در انسان اثر می‌گذارد و هم علم و هم بخش‌هایی از آن در معارف دینی مورد توجه قرار داده اند.

سؤال: اصلاب و ارحام چگونه ارتباط پیدا می‌کند؟

جواب: ویژگی‌های روحی و شخصیتی، همان طهارت از زنا و خطاها، این طبق معارف ما مؤثر است اینکه در دودمان او تولد او در هیچ جا از خطای جنسی و مسائل مثل زنا ناشی نباشد. این صریح آیات و روایات ماست و از دودمان ائمه این برشمرده شده است که کنتم فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره. این هم یک امر مهمی است این تمام است و آن در بحث ژنتیکی یا مادی نمی‌گنجد. یک چیزهای فرامادی هم در آن هست.

این زنجیره وجودی انسان در گذر تاریخ مؤثر است و بحث‌های آن مهم است و مفصل است و آن در صلب و مصب بحث ما قرار ندارد.

اینکه خود دعا، چیزهایی که از گذشتگان بوده است ولی در بعدی‌ها اثر می‌گذارد، اعمال نیک آن‌ها زنجیره این دودمانی تأثیرگذار است. حضرت پیامبر فرمودند «أنا دعوة أبی إبراهیم»[[3]](#footnote-3) بعد از چند قرن آن دعایی که **﴿وَابْعَثْ فِیهِمْ رَسُولًا﴾**[[4]](#footnote-4) مستجاب شد اینها نشان‌دهنده یک زنجیره تأثیر و تأثرهایی است که منحصر در ژنتیک است که در علم ژنتیک توجه می‌شود و منحصر در آن مباحث اجتماعی، محیطی، تاریخی نسل بشر نیست یک چیز فراتر هم هست.

پس گذشته ژنتیکی، گذشته تاریخی، اجتماعی، محیطی و همین تأثیر و تأثر اصلاب و ارحام مسائلی است که از گذشته انسان در امروز انسان تأثیرگذار است.

پس یکی آن مباحث ما قبل وجود انسان در عالم طبیعت است و ریشه‌های غیبی که دارد با همه آن مباحثی که دارد که در بخش اول هم مباحث به این شکل است که از اقوالی که می‌گوید همین وجود با همین تشخص سابقه دارد و احیاناً هم آیه ذر را این‌جوری معنا می‌کند تا اقوالی که می‌گوید این تجلی و شعاعی است از یک وجودات غیبی که اینجا تجلی کرده است نه اینکه این شخص آن باشد. یک طیفی از نظریات در سابقه وجودی انسان در ماقبل عالم ماده هست و بخشی از آن در تفسیر آیه ذر هم آمده است.

## مرحله عالم طبیعت

۲- در عالم طبیعت است ولی قبل از شخص است که اینجا حداقل سه عامل گذشته شخص را می‌شود اشاره کرد.

بعد وجود فرد در عالم جنین که حدود ده آیه به این بخش ارتباط دارد و بعد پس از تولد تا وقتی که در این عالم است و بعد مسئله برزخ است که مسئله برزخ در نگاه دینی و حتی تعلیم و تربیتی هم اثر دارد دلیل مهم این است که برزخ ضمن اینکه در او مستقیم اختیار نیست اما با مقدمات یک جوری اختیاری است یعنی الان می‌شود برزخ را مهندسی کرد، همان باقیات و صالحات، موج اعمال و امتداد اعمال را می‌شود مهندسی کرد که در عالم برزخ هم تکامل برزخی وجود دارد. این تکامل برزخی هم یک داستان مهمی در حیات انسان که تکامل همراه با اختیار بالفعل علی الاصول نیست ولی در عین مستند به اختیار است و قابل‌برنامه‌ریزی است از این جهت هم مسئله برزخ هم در منطق در این ادوار و مراحل وجود انسان اهمیت دارد.

مرحله بعد قیامت و بهشت و جهنم است که آن‌ها فقط نتیجه است و عایدی انسان دیگر ندارد فقط نتیجه گذشته است، برخلاف برزخ که تکامل در آن هست. عایدی وجود دارد.

این که در بهشت و جهنم یا حتی قیامت اصلاً تکامل نیست یا شعاعی از تکامل هست بحث بسیار دقیق و ظریفی است که جای خود.

پس در یک نگاه کلی در حقیقت

۱- از ماقبل طبیعت شروع می‌شود

۲- و به گذشته تاریخی می‌آید که هنوز فرد نیست که آن هم حداقل سه زاویه داشت

۳- جنین

۴- پس از تولد

۵- برزخ

۶- قیامت

۷- نهایتاً بهشت و جهنم

این‌ها ادواری است که در تطور حیات انسان وجود دارد هر کدام مباحث خود را دارد.

اما این ادوار وجود انسان یا مراحل حیات و وجود انسان عبارت است از این هفت مرحله.

آنکه ما اینجا می‌گوییم مراحل رشد و مراحل تربیت و مراحل خودسازی است این سه مقوله اینجا محل بحث است.

ملاک اصلی و محور اصلی پس از تولد تا پایان عمر است.

منتهی به عالم جنینی هم مقداری توجه کردیم چون آن برای خود شخص نیست ولی برای رشد این شخص مهم است این حدود هفت مرحله کلی است

# طوایف آیات مشیر به مراحل رشد انسان

اما در مراحل رشد این می‌شود جنینی و تولد که این دو اهمیت بیشتری دارد. این یک مبحث بود که مرور به آن مناسب بود.

مبحث دیگر که در جلسه قبل آغاز کردیم این بود که آیاتی که باب مراحل رشد هست به اقسامی تقسیم می‌شود که چند قسم آن را گفتیم.

۱- طایفه‌ای که آن مبدأ را بیان می‌کند، چه مبدأ نوعی و چه مبدأ شخصی

۲- یک طایفه آن است که عمدتاً به مرحله جنین می‌پردازد.

۳- یک طایفه آن است که به مراحل بعد از جنین و تولد می‌پردازد

۴- و طایفه دیگر هم طوایفی است این دو بخش را به طور جامعه می‌پردازد با درجاتی که دارد، بخش جنینی و بخش بعد از تولد. این هم یک تفسیم‌بندی از لحاظ طوایف آیاتی است که در مراحل رشد و جود دارد. که نمونه‌های آن را جلسه قبل عرض کردیم.

اما بعد از گذر از بیان ادوار حیات وجود انسان و مراحل رشد که آیات آن تقسیم می‌شد به این چند طایفه که اجمالاً اشاره کردیم قرار شد به آیات مهم در مراحل رشد بپردازیم. حدود ده آیه است که به این مسئله پرداخته است.

در این طایفه‌بندی به این اشاره بکنیم که غیر از این طوایفی که از آیات اشاره شد و ما به طور تخمینی و تقریبی برش زدیم و طایفه‌بندی کردیم، غیر از اینها طوایفی هم از آیات وجود دارد که به ادواری از رشد ولی نه به نگاه تکوینی که تا به حال می‌گفتیم بلکه به نگاه تشریعی پرداخته است. این آیاتی که در تقسیم‌بندی کردیم و در چهار پنج طایفه رده‌بندی کردیم همه نگاه تکوینی دارد، انسان این مراحل رشد کرد نگاه توصیفی تکوینی است.

ولی گروهی از آیات هست که به مراحلی از رشد توجه کرده است که نگاه تشریعی است این طایفه متفاوت از همه این‌هاست در واقع طوایفی از آیات که به مراحل رشد می‌پردازد و آن‌ها را تقسیم کردیم که مبدأ نوع یا فرد را بیان می‌کند.

آن‌ها که به جنین می‌پردازد با درجات مختلف

آن‌ها که به بعد از تولد می‌پردازد آن هم با درجات مختلف

۴- هم گروهی از آیاتی که ترکیبی است از جنین و بعد از تولد با درجات مختلفی که دارد از لحاظ کمی و زیادی و فشردگی و باز شدن این مراحل که بعد عرض خواهیم کرد.

اینها چهار گروه از آیات است که نگاه تکوینی و بیان یک واقعیت خارجی را مدنظر قرار داده و ادوار و مراحل را در جنین یا در پس از تولد بیان کرده است.

غیر از اینها طایفه دیگری هست که آن هم تقسیم می‌شود به طوایف ریزتر و در آن‌ها یک نگاه تشریعی است مثل **﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْیَتِیمِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ﴾**[[5]](#footnote-5) که بلوغ اشد در چند آیه از قرآن در ا ن نگاه، نگاه تکلیفی است، می‌گوید به بلوغ اشد که رسید آن وقت قائم بر اموال خود می‌شود و صاحب اختیار در اموال خود می‌شود.

یا در آیه ۶ سوره نساء **﴿وَابْتَلُوا الْیَتَامَی حَتَّی إِذَا بَلَغُوا النِّکَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَیْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾** اینجا اشاره به شرایط بلوغ نکاح و رشد داشته است دو مرحله در واقع بلوغ جنسی و بلوغ مدیریتی که اینجا رشد باشد این در اینجاها بلوغ جنسی و بلوغ به مرحله رشد اشاره شده است و در بعضی از آیات «بلوغ اشد» یا «بلغ الحلم» اینها چند تعبیر است که آیات آمده است، به «حلم و احتلام» آمده است بلوغ نکاح آمده است و تعبیر سوم رشد است و تعبیر چهارم «بلغ اشد» است که «اشد» با مراحلی که دارد را بعد اشاره می‌کنیم.

این داستان جور دیگری است **﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْکُمُ الْحُلُمَ فَلْیَسْتَأْذِنُوا﴾**[[6]](#footnote-6) اینجا کاملاً یک حکم را بر اینها مترتب کرده است نگاه، کاملا نگاه حکمی و تشریعی است، **﴿لِیَسْتَأْذِنْکُمُ الَّذِینَ مَلَکَتْ أَیْمَانُکُمْ وَالَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ﴾** سوره نور، آیه ۵۸ این باز یبلغ الحلم آمده است

این یک طایفه دیگری از آیات است که حدود ده آیه مراحلی از رشد را بیان می‌کند ولی کاملاً مرحله متصل به یک نگاه تشریعی و بیان حکم که عمده‌ترین تعابیر اینها، بلوغ حلم، بلوغ نکاح، بلوغ رشد و بلوغ اشد بود در بعضی به یکی از اینها اشاره کرده است و در مواردی هم به دو مرحله اینها اشاره شده است که اینها طایفه دیگری است که بعد باید مدنظر قرار بدهیم.

از همین‌جا معلوم شد که از یک منظر کلی ما حدود پنجاه آیه داریم که خیلی مجمل‌ یا مبسوط به مراحل رشد جنینی و دوره پس از تولد پرداخته است و انواع و اقسامی دارد و کل اینها وقتی ملاحظه بشود می‌بینیم که یک نگاه بیان واقعیت خارجی و تکوینی دارد برای یک اهدافی که بعد اشاره می‌کنیم.

یک گروه دیگری از آیات هست که یک منظر تشریعی و متصل به بیان احکام دارد که آنجا بلوغ جنسی و رشد اقتصادی و مدیریتی و رشد شخصیتی و امثال اینها مدنظر قرار گرفته است که این یک نوع دیگری است و در آینده هم با این مسئله هم کار داریم و نکاتی در آن هست که عرض می‌کنیم.

این دسته‌بندی و نگاه کلانی بود که به آیات در این بخش می‌شد افکند و حدود هفتاد آیه در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد.

البته آن حدود هفت مرحله حیات را اگر در نظر بگیریم طبعاً آیات وسیع‌تر می‌شود.

پس یک منظر خیلی کلان وجود دارد که منظر حیات انسان و وجود انسان از ماقبل تا ما بعد باشد، آن یک داستان است.

یک داستان مراحل رشد جنینی و پس از تولد است

یکی هم داستان آن آیاتی که نگاه کاملاً تشریعی حکمی روی این مراحل تطور انسان.

اما برای اینکه در بحث خودمان به نتایجی برسیم و بعضی از سؤالات اساسی را جواب بدهیم حدود ده آیه را یک مروری خواهیم داشت که از هفته قبل هم شروع کردیم.

این آیات به این ترتیب است که آدرس آن‌ها را می‌دهم.

آیه ۱۲ سوره مؤمنون، آیه ۱۵ سوره احقاف دو آیه ۷۰ و ۷۸ سوره نحل و آیه ۵۴ سوره روم و ۵ حج و ۶۷ غافر اینها مجموعه آیاتی است که بیشتر با بحث ما ارتباط دارد که نگاه کلی به اینها می‌افکنیم و جلو می‌آییم.

## بررسی اولین طایفه از آیات

در مجموعه این حدود ده آیه کلیدی در بحث نگاهی به آیه سوره مؤمنون داشتیم به عنوان اولین آیه در هفته قبل که **﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِینٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِی قَرَارٍ مَکِینٍ﴾**[[7]](#footnote-7) و یکی دو نکته حاشیه‌ای در آن عرض کردیم و نکته دیگر هم در آن **﴿أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾**[[8]](#footnote-8) هم بود که ظاهراً اشاره شد.

این سوره مؤمنون چند نکته‌ای در باب آن ذکر شد این آیه اول از آیات جامع‌تر مربوط به بحث مراحل بود.

آیه دیگر آیه ۵ سوره حج است که یک نگاه سریع داشته باشیم که جزو آیات جامع هست که به هر دو بخش جنینی و بعد تولد هم اشاره دارد شبیه آیه سوره مؤمنون هم همین‌طور بود.

در آیه ۱۴ سوره مؤمنون افزون بر نکات قبل که گفتیم توجه به این دارد که در پایان آیه دارد که **﴿فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ﴾** که در واقع نگاه آیه در بیان این مراحل به آن خلقت خدا و حکمت خدا و حسن خلق خدا بود می‌خواهد آن نظم در خلقت خدا و حسنی که در خلقت خدا هست را بیان بکند، فلسفه‌اش در آنجا این است.

آیه دیگر، آیه شریفه ۵ سوره حج است که این هم از آیات جامع در این مباحث است و از معدود آیاتی است که مراحل زیادی را تفصیل داده است هم دوره جنینی و هم پس از تولد. شاید اجمع آیات این آیه ۵ سوره حج باشد

این آیه شریفه این‌طور است: **﴿یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَنُقِرُّ فِی الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَمِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی وَمِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلَا یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئًا وَتَرَی الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَیْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ﴾** می‌گوید همین‌جور زمین را خاموش و خفته می‌بینید آب بر او نازل می‌کنیم و زنده می‌شود و حال بهجت و سرور دست می‌دهد و آن نشاط در او ایجاد می‌شود

این آیه بزرگی در قرآن مجید هست که شاید اجمع آیات در بحث مراحل رشد جنینی و ما بعد جنینی این آیه باشد.

در آیات منظر و هدف متفاوت است در آن آیه سوره مؤمنون منظر و هدف بیان قدرت و حسن و حکمت خدا در خلقت بود برای آنکه آن حسن و حکمت را نشان دهد این مراحل تطور را بیان می‌کرد اما در این آیه منظر معاد است، آیه هم با همین شروع می‌شود **﴿یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ﴾** پس این تطور حیاتی این عالم را ملاحظه بکنید بر خلاف تعدادی از آیات که تمرکز آن‌ها روی مبدأ هست و تمرکز روی مبدأ هم گاهی اصل وجود خداست و گاهی وحدت اوست و گاهی خلقت اوست، قدرت اوست، گاهی حکمت او و حسن خلقت اوست این‌ها سه چهار نگاهی است که در تعدادی از آیاتی که تطور مراحل را گره به مبدأ زده‌اند منعکس است. این یک گروه از آیات است که این تطورات را آینه‌ای قرار داده است برای انتقال به مبدأ منتهی با نگاه‌های ریز وجود خدا یا صفات خدا.

اما گروه دیگر از این آیات نگاهشان به معاد است که این سوره حج است.

# نکات آیه ۵ سوره حج

در این سوره چند نکته که واضح است شماره‌وار عرض می‌کنیم

## نکته اول

اینکه در این آیه عمدتاً نگاه به معاد است و تذکری به معاد است با بهره‌گیری از آن صحنه‌هایی که در تطور خلقت انسان وجود دارد.

اینجا مراحل رشد و تطور را هدف‌گیری کرده است که ما را به سمت معاد هدایت بکند در این آیه و آیه بعد که این است**﴿ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ یُحْیِی الْمَوْتَی وَأَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ سوره حج﴾**، آیه ۶ در این آیه برای بردن انسان به سمت معاد دو گام در این آیه و آیه بعد وجود دارد

گام اول رفع مانع و استیحاش است که کسانی از نظر عقلی یا عاطفی نمی‌تواند بپذیرد تطور انسان به سمت آن عالم و حیات مجدد و بعث انسان را. این یک نوع استیحاش در وجود انسان است این استغراب است و این استعجاب و استیحاش در وجود انسان نسبت به بعث و عالم پس از این دنیا وجود دارد این در طبیعت بشر هست. بشر در ذات خود چسبیده به این عالم است و آن سمت را نمی‌تواند خوب، زود و راحت بپذیرد.

این استغراب و استیحاش دو زاویه دارد یکی استغراب و استیحاش منطقی دارد؛ مگر می‌شود دو مرتبه بعد از اینکه پوسیده شد و تمام شد حیاتی به وجود بیاید یک استغراب منطقی است و نوع دوم استغراب و استیحاش عاطفی و روحی است که سخت است بپذیرد، منطقی هم باشد پذیرش آن سخت است مأنوس نیست. این‌ عدم استیناس است.

این دو در انسان است گام اول در این آیات این است که **﴿إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ﴾** پس ببینید که می‌شود یک تطوری در این عالم رخ بدهد آن هم تطور از یک ماده هیچی به یک موجود دارای شعور و آگاهی، تطور از صفر تا صد که در آن آیه آمد **﴿ثُم أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾** و در اینجا هم می‌آید تا طفل شدن، از یک ماده جامع حرکتی شروع شده است و رسیده است به اوج دانش.

این هم استغراب منطقی را برمی‌دارد و هم آن استغراب عاطفی را کنار می‌زند. این تا اینجا فقط برای رفع استغراب و استیحاش عاطفی و منطقی است.

اما برای استدلال که حتماً معاد هست آن گام دوم در آیه برمی‌دارد. در آیه اول گام اول را برمی‌دارد که استغراب و استعجاب و استیحاش منطقی و عاطفی را بردارد می‌گوید دو نمونه می‌دهم یکی در وجود خودتان که صفر هستید به این صد رسیدید.

یکی هم در عالم طبیعت که زمین مرده زنده شد که در بحث حیات طبیعی است.

این گام است گام دوم آیه بعد **﴿ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ یُحْیِی الْمَوْتَی وَأَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ﴾** در آیه بعد از گذر از عدم استیناس و استعجاب می‌رسد به این که معاد هم هست **﴿أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ﴾** این عالم به حق تنظیم شده است یک هدفی دارد که استدلالات آن جای خود. این دو گامی است که آیه برداشته شده است.

نگاه این آیه اول نگاه معاد است البته اشاره‌ای هم به آن قدرت در آیه بعد می‌شود **﴿أَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ﴾**

این یک مسئله که تفصیل این دو گام در استدلال بر معاد جای خود این آیه مراحل رشد را با آن نگاه مطرح کرده است و نکات دیگری هم در این آیه و آن هفت هشت آیه‌ای که عرض کردم مروری خواهم کرد و به دو سه سؤال کلیدی در مراحل خواهیم رسید.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

1. [المزار، الشهيد الأول، ج1، ص124.](http://lib.eshia.ir/15106/1/124/الْأَصْلَابِ) [↑](#footnote-ref-1)
2. [المزار، الشهيد الأول، ج1، ص124.](http://lib.eshia.ir/15106/1/124/الْأَصْلَابِ) [↑](#footnote-ref-2)
3. [من لا يحضره الفقيه‏، الشيخ الصدوق‏، ج4، ص369.](http://lib.eshia.ir/11021/4/369/إِبْرَاهِيمَ‌) [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره بقره، آیه ۱۲۹ [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره انعام آیه ۱۵۲ [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره نور، آیه ۵۹ [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره مؤمنون آیات ۱۲ و ۱۳ [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره مؤمنون، آیه ۱۴ [↑](#footnote-ref-8)